

نور جاب شد و من متعجب ماندم که چگونه از این عالم شکر کردم و هیچ مقبول
در طوحيات و مولاتا قطب العين علامه در شرح حکمت اشراق ابن خلدون
با خلاطون نسبت کرده اند و در نسبت که هر دو واقع شده باشد و توهم کنی
که آن مراتب علی و این مراتب سینه و قفوی است که در از من ساخته
بوده اند فیض روح القدس از بزرگواران است و کیان هم بکنند آنچه میگوید
دل نامند نسبت است و در شرح عالم ملکوت تورا اب از درون نسبت است
و راهی چند از برون کشاده و اینها نیز می آید و در حقیقت فاسد مستور و اگر این
سجده و عزت مسدود ساری و آب فاسد شکی فاسد و برون کنی در راه اولی
برای نسبت کنی دل تو بجمع و منبع اکیمات شود و از فضل تو با ما مرده نشود
که در و بریان حال کومی در دست سحر ارضه تمام دادند و در آن
خلقت شب اکیمات دادند و خود از حقیقت بر تو آید که در باده ارضه تمجی
صفایم دادند فیض بعضی اعراض نام از حکمت در نسبت اند و بعضی حکمت را
مقصود اقصی نیندیشته اند و محال است که در اقسام حکمت عملی
از تندیب اخلاق و تدبیر منزل و سیاست مدن و در اقسام ریاضی از
حقیقت و هندسه و حساب و موسیقی و در آنست که باطنی مواضع حکایا بشی و
در الهیات و بعضی از طبیعیات مواضع صوفیه و این طور است نسبت نظیر
الی برزه رفن که در حرب معین میکند الصلاه خلقت علی التمر و طعام
و التمر و البلی لوم احب است که همس درین شهر و زنی در تاریخ انکار گوید و باقی
جز زمان اخلاطون میداند و مراد از هر چیزی بود شکل کعب و حی است که از دنیا
بی است که کعبه است آن مزج کند تا با بر تفرغ شود ایشان در بهلولی آن
مزج مثل آن بساختند و با باده شد و بصورت حال مانده می گفتند و می گوید
که ایشان مثل مزج در بهلولی آن ساخته و آن را تصفیه کعب است
استغفار تا خلاطون کردند اول وقت چون شمارا لغت از منده بود حقیقتا

در دهر

علا

شمارا این صورت تنبیه فرمود و هر گاه که استخرج خطین میان خطین نسبت
در عدد توانید که مقصود حاصل شود و تحقیق کلام درین مقام آنکه خطی است
طول مزج فرض کنیم و خط اجد را ضعف آن بر وجهی که در او است از قاعده
و تمسک اب بر ج و فصل قطره از مضیف او بر نقطه ط و از خارج خطین
بر ج باستقامت کنیم و کتا و مضطر بر نقطه اینهم و در او حرکت کنیم
خطین مخصوص تا خطین رطه ط متساوی شوند اکنون اب ب بر ج ج بر ج
متوالی اندر بسته مراد یعنی نسبت اب بر ج و چون نسبت اب بر ج است و
چون نسبت بر ج بر ج برای آنکه اگر قطب حرکت بصورت بر نقطه ط کند و اول آن
کنیم و از نقطه ط عمود ط ج بر خط ج از خارج کنیم البته تصفیح و دست سطح در
در ج با بر ج و مثل بر ج ج دست شکل کشیم از مخالف دو کتاب
اقبلیم بر ج ج ط در نسبت که سایه بر سطح در در ج با بر ج ج
ط یعنی با بر ج خط شکل عروس مثل یعنی ج ج ج دست یعنی بر ج
و مثل این میان کنیم که خط ه در ه با بر ج ط یعنی با بر ج خط مثل
ط دست یعنی بر ج ط پس سطح در در ج مثل سطح در ج ه دست پس نسبت بر
ه یعنی نسبت اب بر ج شکل چهارم از مقام کشیم و نشانیم از ج مثل
ه با بر ج دست شکل ششم از مقام کشیم و مثل نسبت بر ج ج ج
و نشانیم مذکور و بیان این بودی که در ذیل بخوانند که خواج نصیر
برای اقامت بر این شکل بازه هم از مخالف دو در از هم نسبت
پس نسبت اب بر ج چون نسبت اب بر ج ه دست مثل با کعب بر بعد صفایم
یعنی نسبت کعب معمول بر اب کعب معمول بر ج و شکل بی و هشتم از مقام
با دو هم و این مطالب است و در شمار که در المات تابع عالمی بودیم کنی
که چون ایشان را در ریاضیات خاصه سطح اب در دست فرج غریب است
پس در مجموع مسائل این فصل باشد آن گشت که ایشان را در ریاضیات شدیم

